

**Predigt zum 3. Sonntag nach Epiphania, 25.1.2026,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK)
Pfr. i.R. Gerhard Triebe**

Apostelgeschichte 10,21-35:

اعمال رسولان ۱۰، ۲۱-۳۵:

جماعت عزیز، موعظه‌ی امروز درباره‌ی یک عبور بنیادین از مرزهاست که با انجیل عیسی مسیح همراه است. لوقا این عبور از مرزها را با داستان فرماندهی رومی، کورنلیوس، روشن می‌کند؛ کسی که همراه با تمام خانواده‌اش به ایمان به عیسی مسیح رسید. زمینه‌ساز این رویداد، رسول پطرس بود. او در آن زمان در یوپه، یافای امروزی، مهمان بود. هنگام دعای نیمروزش، مکاشفه‌ای دیده بود و هنوز در حال اندیشیدن به این بود که خدا با آن چه می‌خواست به او بگوید، که در پایین در از او سراغ گرفتند. آنگاه روح خدا به او گفت: «سه مرد تو را می‌جویند. برخیز، فرود بیا و بی‌درنگ از پی ایشان برو، زیرا من آنان را فرستاده‌ام.» در اینجا بخش مورد نظر ما آغاز می‌شود:

۲۱ پس پطرس نزد آن مردان فرود آمد و گفت: «این منم که شما در پی او هستید؛ به چه سبب اینجا آمده‌اید؟» ۲۲ آنان گفتند: «فرمانده کورنلیوس، مردی عادل و خداترس با نام نیک در میان همه‌ی قوم یهود، به فرمان فرشته‌ای مقدس مأمور شده است که تو را به خانه‌ی خود فراخواند و آنچه را که تو می‌گویی بشنود.» ۲۳ آنگاه ایشان را به درون فراخواند و مهمان کرد. روز بعد، او برخاست و همراه آنان به راه افتاد، و چند تن از برادران یوپه نیز با او رفتند. ۲۴ و روز پس از آن به قیصریه رسید. اما کورنلیوس در انتظارشان بود و خویشاوندان و دوستان نزدیک خود را گرد آورده بود. ۲۵ و چون پطرس وارد شد، کورنلیوس به استقبال او رفت و به پای او افتاد و او را پرستش کرد. ۲۶ اما پطرس او را برافراشت و گفت: برخیز، من نیز انسانی هستم. ۲۷ و در حالی که با او سخن می‌گفت، به درون رفت و بسیاری را دید که گرد هم آمده بودند. ۲۸ و به آنان گفت: شما می‌دانید که برای یک مرد یهودی روا نیست با بیگانه‌ای معاشرت کند یا نزد او برود؛ اما خدا به من نشان داده است که هیچ انسانی را ناپاک یا نجس نخوانم. ۲۹ از این رو، هنگامی که مرا فراخواندید، بی‌درنگ آمدم. اکنون از شما می‌پرسم: به چه سبب مرا فراخواندید؟» ۳۰ کورنلیوس گفت: چهار روز پیش، در همین ساعت، در خانه‌ام در ساعت نهم مشغول دعا بودم، و ناگهان مردی با جامه‌ای درخشان در برابر من ایستاد. ۳۱ و گفت: ای کورنلیوس، دعای تو شنیده شده و صدقات نزد خدا به یاد آورده شده است. ۳۲ پس اکنون کسی را به یوپه بفرست و شمعون، ملقب به پطرس، را فرا بخوان؛ او مهمان شمعون دباغ است که خانه‌اش کنار دریاست. ۳۳ پس بی‌درنگ کسی را نزد تو فرستادم، و تو نیکو کردی که آمدی. اکنون همه‌ی ما در حضور خدا گرد آمده‌ایم تا هر آنچه را که از سوی خداوند به تو فرمان داده شده است، بشنویم.» ۳۴ آنگاه پطرس دهان گشود و گفت: اکنون به‌راستی درمی‌یابم که خدا جانبدار اشخاص نیست؛ ۳۵ بلکه در هر قوم، هر که از او بترسد و به عدالت رفتار کند، نزد او پسندیده است.

جماعت عزیز، مرزها جهت، استواری و امنیت می‌بخشند. آن‌ها زندگی ما را سامان می‌دهند. مرزهای سرزمینی وجود دارند، مرزهای دینی و فرهنگی، و مرزهای شخصی. برخی از آن‌ها ضروری‌اند، و برخی دیگر را بی‌آنکه هرگز مورد پرسش قرار دهیم، به ارث گرفته‌ایم. و سپس آن لحظه‌ها فرا می‌رسند که خدا ما را درست تا کنار یکی از همین مرزها می‌آورد — و می‌گوید: از آن بگذر.

«چنین لحظه‌ای در اینجا، در کتاب اعمال رسولان، با ما روبه‌رو می‌شود. پطرس بر آستانه‌ی خانه‌ای ایستاده است. این خانه، خانه‌ای معمولی نیست. این خانه به فرماندهی رومی، کورنلیوس، تعلق دارد — یک غیر

یهودی، یک بیگانه، نماینده‌ی قدرتِ اشغالگر. برای پطرس روشن است: در اصل، او اجازه ندارد وارد این خانه شود. این کار با تربیت دینی‌اش، با برداشت او از کتاب مقدس و با سنتش در تضاد است. این کار نقض احکام طهارت است که او به‌سبب پیشینه‌ی یهودی خود موظف به رعایت آن‌هاست. چنین کاری شایسته نیست. از کسانی که این احکام را رعایت نمی‌کنند، باید فاصله گرفت؛ زیرا در غیر این صورت، انسان خود نیز ناپاک می‌شود. هم‌نشینی با کسانی با ایمانی دیگر، عبور از یک مرز به‌شمار می‌آید. و با این حال، پطرس وارد خانه می‌شود. آنچه در اینجا رخ می‌دهد، یک دیدار مؤدبانه نیست، بلکه یک زلزله‌ی روحانی است. خود پطرس آن را به‌روشنی بیان می‌کند: «اکنون به‌راستی درمی‌یابم که خدا جانب اشخاص را نمی‌گیرد، بلکه در هر قوم، هر که از او بترسد و به عدالت رفتار کند، نزد او پسندیده است» (آیات ۳۴ و ۳۵). با این گام، با عبور از آستانه‌ی در، یک جهان‌بینی کامل فرو می‌ریزد.»

۱. روح خدا از قواعد ما سریع‌تر است

در این میان، پطرس یک شورشی نیست. او کسی نیست که از روی اصل و عمد مرزها را درهم بشکند. برعکس: او به قواعد پایبند است. او احکام، مقررات طهارت و نظم‌های دینی را می‌شناسد. و درست به همین دلیل است که این دیدار تا این اندازه سرنوشت‌ساز است. زیرا خدا منتظر نمی‌ماند تا پطرس از نظر الهیاتی همه‌چیز را مرتب و سامان دهد. روح‌القدس از او پیش‌تر است. کورنلیوس پیش از این دعا کرده است. روح پیش‌تر عمل کرده است. خدا مدت‌هاست که دست به کار شده — آن هم بیرون از مرزهای آشنا. او را نمی‌توان در مرزهای فرهنگی، دینی یا اجتماعی به بند کشید. روح او در جاهایی عمل می‌کند که ما انتظارش را نداریم — و اغلب سریع‌تر از آن‌که مباحث الهیاتی ما پیش بروند.

این برای پطرس یک چالش سنگین است — و شاید برای ما هم چنین باشد. زیرا ما نیز پیش‌زمینه‌ها و شکل‌گیری‌های فکری خود را داریم. منظورم در اینجا چندان آن چیزی نیست که برخی به شوخی «قانون اساسی آلمانی» می‌نامند، یعنی آن سه قاعده‌ی معروف: «ما همیشه همین‌طور انجامش داده‌ایم.» «ما هرگز این‌طور انجامش نداده‌ایم.» «اگر این‌طور باشد که هر کسی می‌تواند بیاورد.» آنچه بیشتر در نظر دارم، شکل‌گیری‌های روحانی و الهیاتی ماست.

«برای بسیاری در کلیسای ما، این پرسش که آیا زنان می‌توانند کشیش شوند یا نه، چنین نقطه‌ای است. خود من نیز دهه‌ها احساس نمی‌کردم که آزاد باشم به این پرسش پاسخ مثبت بدهم — با آنکه خواهر خودم و یکی از دوستان نزدیکم الهیات می‌خواندند و ما بر سر این موضوع بحث‌های دردناک داشتیم. من خود را به برخی آیات کتاب مقدس مقید می‌دانستم. از این‌رو، دست‌گذاری زنان برای من مرزی غیرقابل عبور به‌شمار می‌آمد. بیم آن را داشتم که در آن صورت، آنچه ما به‌عنوان اراده‌ی خدا محترم می‌شماریم، دل‌خواهی شود؛ که هر کس تنها آنچه را بپذیرد که مطابق میل خودش است. و با این حال، کلیسا تجربه کرده است: خدا فرا می‌خواند. خدا برکت می‌دهد. خدا به‌گونه‌ای آشکار از طریق زنان در خدمت بشارت عمل می‌کند. نه از آن رو که روح زمانه چیره شده باشد، بلکه زیرا روح‌القدس مدت‌هاست که در کار بوده است — اغلب حتی پیش از آنکه تصمیم‌های رسمی اتخاذ شوند.

در مورد پطرس نیز چنین است: تجربه پیش از تفسیر می‌آید. نخست دیدار با کورنلیوس، سپس بینش الهیاتی. نخست عمل خدا، سپس فهمیدن.

عبور از مرزها به این معنا نیست که کتاب مقدس کم‌اهمیت شمرده شود. برعکس: پطرس خدا را جدی‌تر از تفسیر پیشین خود می‌گیرد. او بر این باور پای می‌فشارد که خدا وفادار است — و در عین حال اجازه می‌دهد که در فهم خود از گستره‌ی فیض خدا اصلاح شود. این امر درباره‌ی ما نیز صدق می‌کند. پرسش این نیست: آیا ما نظم را رعایت می‌کنیم؟ بلکه این است: آیا تشخیص می‌دهیم که خدا کجا در حال عمل است؟»

۲. عبور از مرزها با گوش‌دادن آغاز می‌شود

نکته‌ی قابل توجه این است: پطرس با موعظه‌ای از پیش آماده وارد خانه‌ی کورنلیوس نمی‌شود. او نخست گوش می‌دهد. سؤال می‌پرسد. می‌گذارد برایش بازگو شود که خدا در زندگی این انسان چه کرده است. عبور از مرزها به‌ندرت با حرکت‌های بزرگ آغاز می‌شود. اغلب از جایی شروع می‌شود که دست از سخن گفتن درباره‌ی دیگران برمی‌داریم — و شروع می‌کنیم به گوش دادن به آن‌ها.

امروز نیز ما به این چالش فراخوانده شده‌ایم که پیش از هر چیز گوش بدهیم. و این تنها مربوط به کسانی نیست که دیدگاه الهیاتی متفاوتی با ما دارند. آنان نیز دریافت‌های روحانی و تجربه‌های خود با خدا را دارند. دوستی که همین حالا از او سخن گفتم، خود را به همان اندازه از سوی خدا فراخوانده می‌دانست که من. او سپس کشیش نشد، بلکه خدمت کلیسایی دیگری را بر عهده گرفت. خواهر من تحصیل الهیات خود را نیمه‌کاره رها کرد و تا امروز از این رنج می‌برد که در تعهد و فعالیتش در کلیسا به مرزها برمی‌خورد. بسیاری از زنان در کلیسای ما رد دست‌گذاری زنان را نوعی تبعیض احساس می‌کنند. و آنان نمی‌توانند این را با تصویرشان از عیسی هماهنگ کنند — عیسی‌ای که هر انسان را بی‌قید و شرط می‌پذیرد، که به همه، مردان و زنان، به یکسان عشق و حرمت می‌بخشد، که جان خود را برای همه داد و زنان را نخستین شاهدان رستاخیزش قرار داد. آنان نمی‌توانند این را با آزادی‌ای کنار هم بگذارند که در آن، کلیسای مسیحی از احکام غذایی و طهارت یهودی، از حکم تصاویر و از حکم سبب خداحافظی کرده است — احکامی که در شمار ده فرمان‌اند. اگر نه آن‌ها، پس چه چیز اراده‌ی تغییرناپذیر خدا را نشان می‌دهد؟ و آیا همین احساس تبعیض به‌تنهایی دلیل کافی نیست که این مانع را از سر راه انجیل برداریم؟ آیا ما در کلیسا نباید هر کاری بکنیم تا انسان‌ها عشق بی‌مرز و بی‌قیدوشرط خدا را تجربه کنند؟

«البته این موضوع فقط شامل کسانی نمی‌شود که با این مشکل دارند که در کلیسای ما زنان اجازه ندارند کشیش شوند. این سخن درباره‌ی هر کسی نیز صدق می‌کند که دیدگاه سیاسی‌اش را با او شریک نیستیم یا داستان زندگی‌اش در کشورهای اخلاقی ما نمی‌گنجد. گوش دادن لزوماً به معنای موافقت کردن نیست؛ اما به این معناست که بپذیریم: این انسان برای خدا مهم است. خدا او را آفریده و او را می‌پذیرد. و خدا با او در مسیر است.»

۳. عبور از مرزها هزینه‌ای دارد

برای پطرس، این گام ریسک‌آفرین است. او بعداً مجبور خواهد شد از خود دفاع کند. دیگر مسیحیان او را نقد خواهند کرد: «تو نزد غیر یهودیان، نزد بت‌پرستان، نزد بی‌ایمانان رفتی و با آنان غذا خوردی!» همین‌طور، دست‌گذاری زنان نیز در کلیسای ما موجب بروز تضاد و مناقشه می‌شود.

عبور از مرزها هزینه‌ای دارد. کسی که پل می‌سازد، به‌ندرت روی زمین امن ایستاده است. ممکن است بین دو جبهه گرفتار شود. شاید احترام و تحسین خود را از دست بدهد. ممکن است سوءتفاهم ایجاد شود. و البته در این مسیر نیز امکان اشتباه هست.

با این حال، ایمان مسیحی هرگز بدون چالش نبوده است. ایمان هرگز خشک و بی‌تحرك نبوده، بلکه همواره جنبش داشته — از قانون به سوی فیض، از ترس به سوی اعتماد، از طرد به سوی هم‌نشینی. گاهی اوقات، او ما را دقیقاً به جایی می‌برد که راحت نیستیم. اما مهم این نیست. مهم این است که هر کس دریابد که خدا جانب اشخاص را نمی‌گیرد و هر کسی که او را محترم بشمارد و برای نیکی بکوشد، نزد او پسندیده است.

۴. مرزی که خود خدا آن را پشت سر گذاشته است

زیرا در پایان، بر این داستان حقیقتی بسیار بزرگ‌تر سایه می‌اندازد: خود خدا بزرگ‌ترین عبورکننده از مرزهاست. او در عیسی مسیح مرز میان آسمان و زمین را پشت سر گذاشت. او انسان شد. به سوی کسانی رفت که بیرون ایستاده بودند: به سوی بیماران، گناهکاران، بیگانگان. او انسان‌هایی را فراخواند که هیچ‌کس آن‌ها را فرا نمی‌خواند. با کسانی غذا خورد که دیگران از آن‌ها دوری می‌کردند. آنچه ناپاک شمرده می‌شد،

لمس کرد. شاهدان و شاهدانی را برگزید که دیگران به آنان جدی نگاه نمی‌کردند. و او هنوز هم همین کار را می‌کند. به همین دلیل پطرس می‌تواند بگوید: خدا به شخص نگاه نمی‌کند. نه به اصل و نسب، نه به مقام، نه به تبار، جنسیت یا گذشته؛ بلکه فیض خداست که تعیین‌کننده است.

بنابراین موضوع زمانه یا کتاب مقدس نیست، بلکه وفاداری به خدای است که می‌گوید: «آنچه خدا پاک کرده، تو ناپاک مشمار» (آیه ۱۵). او ما را نیز به چالش می‌کشد تا مرزهای خود را به‌طور انتقادی بنگریم و — حتی اگر فهم ما هنوز کامل نباشد — با اعتماد به او گام‌هایی برداریم که گسترش عشقش در جهان ما را تقویت کند. زیرا پشت برخی مرزها هرچو مرج نیست — بلکه دیدگاهی گسترده‌تر است. و گاهی حتی فهمی نو از این‌که خدا کیست. آمین.